

از انجمن حجّیه تا
سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی

خاطرات دکتر سید هاشم آقاچری

(۱۳۳۶-۱۳۵۸)

حسین میرزایی

۱۳۹۷

آقاجری، سیدهاشم، ۱۳۳۶ -، مصاحبه‌شونده‌از انجمن حجتیه تا سازمان مجاهدین انقلاب
اسلامی خاطرات دکتر سیدهاشم آقاجری (۱۳۳۶ - ۱۳۵۸)/گفتگو از حسین میرزایی ۱۳۵۵
تهران کویر ۱۳۹۷ - ۱۸۶ ص

ISBN-978-964-214-188-3

کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است

فارس، سیدهاشم، ۱۳۳۶ - خاطرات، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران

Sazeman Mojahedin Enqelab Eslami Iran

Hojjatieh society

ایران — تاریخ - پهلوی، ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ - خاطرات

Iran -- History -- Pahlavi, 1941 - 1978 -- Personal narrative

میرزایی، حسین، ۱۳۵۵ - مصاحبه

رده بندی کنگره : ۱۷ : ۱۶۱/۱۶۱ C.R.

شماره کتابشناسی ملی : ۵۳۶۴۸۱۶

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۴



از انجمن مجتبه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی

خسرات دکتر سید هاشم آقاچری

(۱۳۵۸ - ۱۳۳۶)

حسین یرزایی

طراح جلد: سعید زاشکانی • امور فنی و صفحه آرایی: انتشارات کویر

لیتوگرافی چاپ و صحافی: غزال • شمارگان: ۲۰۰ • چاپ اول ۱۳۹۷

شابک: 978-964-214-188-3 • ISBN: 978-964-214-188-3 • قیمت: ۱۸۰۰ تومان

Email: kavirbook@gmail.com

نشانی: تهران کریم خان زند، ابتدای قائم مقام فراهانی کوی یکم، شماره ۲، پانسان کویر

کد پستی: ۱۵۸۵۹۱۴۹۱۱ • تلفن: ۸۸۳۰۱۹۹۲ و ۸۸۳۴۲۶۹۸ • فکس: ۸۸۳۲۶۹۷

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً ممنوع است.

به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)

بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است

فهرست مطالب

مقدمه	۹
فصل اول: کودکم و درک اختلاف طبقاتی	
چگونه سید ترک هستم؟	۱۵
پدرم بازاری و مذهبی بود	۱۹
کودک کار بودم	۲۰
چتربازی در آبادان	۲۴
محلله‌های من	۲۹
خاطرات و حسرت‌های کودکی	۳۱
بلیت‌فروشی در شهر نو	۳۴
بچه‌ی باشخصیت محل	۳۸
تحت تأثیر بهروز وثوقی بودم	۳۹
دبستان و مرثیه برای جان‌اف‌کندی	۴۱
دبیرستان رازی و بچه‌های احمدآباد	۴۶
دوران کودکی و درک اختلاف طبقاتی	۴۸

فصل دوم: در انجمن حجتیه یا ضد بهائیت

- ۵۷..... شکل‌گیری فکر انتقادی و مذهبی
- ۶۰..... عضویت در انجمن حجتیه
- ۶۳..... نفوذی انجمن در جلسات بهایی‌ها بودم
- ۶۸..... حجتیه نوعی بدیل حزب توده.....
- ۷۰..... پیش‌رئسوری علامت انجمنی‌ها بود.....
- ۷۵..... شریعتی مرا دگ‌گون کرد.....
- ۷۷..... پای سخنانی‌ها روحانیت مبارز.....
- ۷۹..... تأسیس انجمن از روی جراتان.....
- ۸۵..... خروج همیشگی از انجمن حجتیه.....

فصل سوم: سازمان مجاهدین خلق

- ۹۵..... فضای سیاسی و فرهنگی دهه‌ی ۱۳۵۰.....
- ۱۰۰..... دو جریان مبارز در مقابل رژیم.....
- ۱۰۶..... سمپات سازمان مجاهدین خلق بودم.....
- ۱۱۱..... برای مبارزه به تهران آمدم.....
- ۱۱۵..... بعد از ضربه‌ی ۱۳۵۴.....
- ۱۱۹..... هیچگاه عضو مجاهدین خلق نشدم.....
- ۱۲۰..... شهید صفاتی و سازمان مجاهدین خلق.....
- ۱۲۲..... خانه مخفی در تهران.....
- ۱۲۴..... درباره شهید غلامحسین صفاتی.....
- ۱۲۶..... شهادت صفاتی و تعهد من به ساواک.....

فصل چهارم: در کوران انقلاب

- ۱۳۳..... خانه مشترک با محمدباقر ذوالقدر.....

- ۱۳۷..... شرکت در کلاس‌های شهید بهشتی و شهید مطهری
- ۱۴۲..... تهران، قم، آبادان محور فعالیت ما
- ۱۴۶..... فاجعه سینما رکس کار که بود؟
- ۱۵۰..... دومین بازداشت در قم
- ۱۵۱..... حضور در درگیری‌های مسلحانه‌ی خیابانی
- فصل پنجم: از کمیته امنیت آبادان تا سازمان مجاهدین انقلاب**
- ۱۵۷..... مسئول کمیته امنیت آبادان شدم
- ۱۵۸..... اختلاف شور ی انقلاب آبادان با مجاهدین خلق
- ۱۶۰..... بازداشت‌های انقلاب در آبادان
- ۱۶۳..... استعفای زود هنگام از شورای انقلاب آبادان
- ۱۶۴..... تشکیل کانون فرهنگی - نظامی فتح
- ۱۶۸..... مناظره‌های داغ دانشکده نفت
- ۱۶۹..... درگیری‌ها پس از انقلاب و انحلال کانون فتح
- ۱۷۱..... عضویت در سازمان مجاهدین انقلاب و شرکت در انقلاب فرهنگی

مقدمه

کتاب حاضر حاصل چهار جلسه بیش از هشت ساعت گفتگوست که در تابستان ۱۳۸۴ انجام شده است. آن زمان دکتر هاشم آقاچری عضو گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس تهران بود و جلسات گفتگو در دفتر وی، عمدتاً بعد از ظهرها و با چاشنی سیگار و چای برگزار می‌شد. برنامه‌ی این گفتگو نخست در راستای طرح تهیه تاریخ شفاهی آبادان تنظیم شد که طی آن قرار بود با چند شخصیت شناخته‌شده‌ی این شهر مصاحبه‌هایی صورت گیرد تا مجمعی از یک کتاب منتشر شوند؛ اما کار ناقص ماند و لاجرم تصمیم به انتشار جداگانه‌ی گفتگوهای انجام‌شده گرفته شد.

این گفتگو دوره‌ی خاصی از زندگی دکتر سید هاشم آقاچری را در برمی‌گیرد. از ریشه و خاستگاه خانوادگی او آغاز می‌شود و در مقطع پیوستن‌اش به سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در سال اول پیروزی انقلاب به پایان می‌رسد. اهمیت دوره مذکور برای من - سوای وجوه بارز تاریخ محلی‌اش - این بود که در پرتو آن می‌توانستم روند شکل‌گیری یک شخصیت (کاراکتر) انقلابی را مشاهده کنم. توضیح

اینکه گرچه کتاب‌های متعددی درباره انقلاب اسلامی و انقلابیون نوشته شده یا خود انقلابیون خاطراتی به صورت شفاهی و یا اتوبیوگرافی منتشر کرده‌اند؛ اما در اغلب این کتاب‌ها، شخصیت محوریّت ندارد. به تعبیری انقلابیون در خدمت روایت انقلاب قرار می‌گیرند و درباره خود آنها جز کلیاتی روشن نمی‌شود. راست آن است که آگاهی ما درباره اینکه شخصیت‌های انقلابی در دوره‌ی پیش از انقلاب اسلامی چگونه شکل گرفتند، بسیار کم است و طبقه و خاستگاه اجتماعی، عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری شخصیت آنها، گره‌گاه‌ها یا بزنگاه‌های اصلی زندگی‌شان پیش از انقلابی شدن؛ افکار، احساسات و سلیقه‌های روانی و اجتماعی‌شان و نیز روندهای اجتماعی، فکری و سیاسی مؤثر بر تربیت، ری‌های فکری آنها، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. تأکید گاه زیاد گفتگو بر جنبه‌ی جزئیات دوران کودکی، جوانی، وضعیت فرهنگی-اقتصادی خانواده و نحوه‌ی دامن‌زدی با اجتماع پیرامون، به منظور روشن شدن این نقطه‌های مبهم است. البته هدف این گفتگو و این کتاب، روانکاوی شخصیت انقلابی نبوده و نیست. ضمن اینکه معتقدم با، از تعمیم نتایج خرد بر یک کل اجتماعی اجتناب کرد. با این حال به گمانم توجه به خاستگاه اجتماعی و سرگذشت دکتر هاشم آقاچری پرتوی بر پدیده انقلابی شدن قشر خاص از جامعه ایران در دهه‌ی ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی می‌افکند. قشری که- گرچه علی‌الظاهر و سوء از طبقات متوسط جدید بود- به واسطه‌ی ریشه‌های عمیق‌اش در خرده‌بورژوازی سنتی، و سو با این طبقه و نیز تا حدی محرک آن، به گاه خروج از محافظه‌کاری شد. ظهور این قشر نه کاملاً گسسته از خرده‌بورژوازی سنتی و نه کاملاً پیوسته به طبقات دیگر، که آرمان طبقات مختلف جامعه ایران را درهم تنیده بود، حاصل تضادهای طبقاتی، مناسبات اجتماعی-اقتصادی و کشاکش ایدئولوژیکی دهه‌های مذکور است. این تضادها به روشنی در خاطرات سید هاشم آقاچری نمود یافته‌اند. پرسشی که ذیل فعالیت سیاسی این قشر

طرح می شود و مناسب است که در جای دیگر بدان پرداخته شود، این است که: آگاهی طبقاتی، به گاه تحرک طبقاتی افراد از یک طبقه به طبقه دیگر؛ کی، چگونه و تحت چه فرایندی شکل می گیرد؟

سوی این ها، کتاب حاضر به مجموعه اطلاعات موجود در خصوص نحوه فعالیت و سازمارا، هی نیروهای بدنه جنبش انقلابی می افزاید و به تجميع اطلاعات برای ثبت تاریخ اجتماعی انقلاب اسلامی ایران کمک می کند. منابع مشابه، عمدتاً روند حرکت انقلابی را در سطح نیروهای بلندمرتبه یا تشکیلات سیاسی شناخته شده بازنمایی می کنند و هسته های کوچک و مستقل انقلابی که بدنه جنبش را تشکیل می دادند، کمتر مورد توجه قرار گرفته اند. گمان می کنم در اهمیت این هسته ها کمتر تردیدی وجود داشته باشد، زیرا علاوه بر آنکه این هسته ها واسطه های میان روشنفکران، رهبران انقلابی و توده های مردم بودند، در پیدایش عمل انقلابی نظیر کادرسازی، راه اندازی حرکت جمعی و تظاهرات نیز نقش قابل توجهی داشتند. از سوی دیگر، روایت دکتر آفاجری میانسال و تاریخدان، در خصوص تاریخ جوان و انقلابی، ملهم از تحلیل ها و تفسیرهای تاریخی گوناگون است که این گفتگو را به مرور فشرده ی تاریخ معاصر، خاصه دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، تبدیل کرده است؛ این به سواى باز نمود فعالیت های گذشته ی یک انقلابی جوان، دیدگاه پخته ی یک مسئول آکادمیک امروز را بازتاب می دهد.

کوشش مصاحبه گر در این کتاب آن بوده که تا حد ممکن مطالب شرح داده در جلسات، حتی آهنگ کلام حفظ شود. با این حال چند عبارت کوتاه به ملاحظه شراف و نویسندگانی از سؤالات مکرر و پی در پی، به قصد اجتناب از تقطیع روند گفتگو حذف شده اند؛ هرچند پاسخ ها در جای مناسب خود قرار دارند. این مقدمه ی مختصر را نمی توانم به پایان برم مگر آنکه از صمیمیت و برخورد گرم دکتر سید هاشم آفاجری در جلسات گفتگو یاد کنم. بی گمان اگر این شیوه ی سلوک ایشان نبود مصاحبه گر در طرح پرسش های خود موفق نمی شد.